

گفت و گو با محمد محمدعلی؛



محمد محمدعلی داستان‌نویسی است که در دهه ۲۰ متولد شد و اولین کتابش را در سن ۲۷ سالگی در دهه ۵۰ منتشر کرد. او در کنار داستان‌نویسی فعالیت مطبوعاتی هم داشته و همچنین تجربه اداره کارگاه‌های داستان‌نویسی هم دارد.

محمدعلی با حضور در خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در گفت‌وگویی، از ادبیات جنگ، نویسندگان جوان، جایگاه شعر و داستان در جامعه امروز و... گفت.

به جنگ پرداخته‌ام.

این داستان‌نویس صحبت‌هایش را درباره ادبیات جنگ و تجربیات خودش در این زمینه این‌گونه شروع کرد: تعدادی از آثار من که پس از دهه ۶۰ نوشته شده، در فضای جنگ

است. حتا در «بازنشتگی»، بوی جنگ می‌آید. اما اولین اثری که در آن مشخصاً به جنگ و مسائل حاشیه‌ای آن پرداخته‌ام، رمان «نقش پنهان» بود، که بخش اعظمش در فضای جنگ است و جنگی که در شهر اتفاق می‌افتد و حتا یکی از شخصیت‌ها به استقبال جنگ می‌رود. در رمان «برهنه در باد» چند فصل به جنگ پرداخته‌ام و در مجموعه داستان «چشم دوم»، هر پنج داستان درباره عوارض ناشی از جنگ در شهرهاست.

محمدعلی در ادامه یادآور شد که یک‌بار هم جایی گفته که مایل است درباره جنگ و مسائل پیرامون آن بنویسد، و افزود: من جزو معدود رمان‌نویسان معاصر هستم که درباره عوارض ناشی از جنگ در شهرها و مخصوصاً روی زندگی کارمندا نوشته‌ام. داستان‌های کوتاه دیگری هم هست که در آن‌ها به جنگ پرداخته شده است. نمی‌خواهم بگویم سهم را ادا کرده‌ام، ولی چندان هم بی‌تفاوت نبوده‌ام؛ چون به‌ر حال، حادثه مهمی در کشور ما اتفاق افتاد و چه بسا سال‌ها باید بگذرد تا بتوان نتیجه درست‌تر، یا بهتر بگوییم، هنری‌تری از این جنگ برای ما مطرح شود. به زشت و زیبایی آن و علت و علل آن اگر کاری نداشته باشیم و حتا اگر به مثابه یک زلزله به آن نگاه کنیم، حادثه عظیمی بوده است که می‌باید درباره‌اش نوشت. البته تاکنون شرایط به گونه‌ای بوده است که نتوانستیم از زاویه‌های مخالف یا حتا انتقادی به آن نگاه کنیم. این زاویه از آن جهت مهم است که بدون آن نمی‌توان تمام ابعاد هنری، اجتماعی و سیاسی این حادثه عظیم را دید.

او همچنین یادآور شد: پس از جنگ‌های اول و دوم جهانی، نویسندگان معروف و مهمی

توانستند درباره جنگ بنویسند و از میان آن‌ها به همین دلیلی که گفتیم (نگاه آزاد و منتقدانه) داستان‌ها و شعرهای بسیار خوبی خلق شدند که خب البته نسل ما هنوز فرصت دارد تا با نگاهی بی‌طرفانه به جنگ نگاه کند، و اگر نه احیانا این مهم را به دوش جوان‌های امروز که در دوره جنگ، چهار، پنج یا احیانا ۱۰ساله بوده‌اند، واگذار کند، تا از مجموع آن‌چه که به صورت مکتوب یا فیلم به‌جای مانده، بیایند و مثل تولستوی، «جنگ و صلح» نسل خودشان را بنویسند.

اندکی و فقط اندکی مسامحه

محمدعلی در ادامه این بحث، در پاسخ به این موضوع که گفته می‌شود، طیف روشن‌فکر ما و نویسندگان هم طیف او، در زمینه نوشتن از جنگ و آن‌چه هشت سال بر این سرزمین گذشته، کم کاری کرده‌اند، خاطرنشان کرد: در این زمینه نسل ما پیش‌قدم هم شد و حتا کسانی که هیچ‌کس فکر نمی‌کرد به مسائل جنگ بپردازند، تا نزدیکی شهرهای جنگ‌زده و حتا شخصا به جبهه‌ها رفتند، ولی به‌خاطر همان نگاهی که پیش‌تر گفتیم، نتوانستند خود را در یک قالب از پیش تعیین‌شده پیدا کنند. شما نگاه کنید به چند داستان کوتاه اسماعیل فصیح یا رمان «زمستان ۶۲»، کارهای احمد محمود و دیگر نویسندگانی که می‌خواستند به این حوزه وارد شوند؛ ولی به دلایل گوناگون و سیاسی بودن افکار درباره جنگ و ایدیولوژیک بودن آن که از قالب یک دیدگاه دینی عرضه می‌شد، خیلی‌ها تصور می‌کردند چنان‌چه بخواهند همه ابعاد جنگ را ببینند، چه بسا که آثارشان

در تقابل با دیدگاه حاکم قرار بگیرد و حتا نقصانی در حرکت رو به جلو رزمندگان تلقی شود. حال آن‌که الان به جرأت می‌توان گفت، آن رزمندگان جوان و قطعاً و قطعاً صدیق، در آن هول و ولای جنگ، مجالی برای دیدن این‌گونه آثار نمی‌یافتند، تا بر آن‌ها اثر منفی بگذارد. هر چه بود، در پشت جبهه و جدال بین طرفداران پروژه فرهنگی جنگ و مخالفان پروژه فرهنگی جنگ بود؛ یعنی در محافل خصوصی و عمومی دست‌اندرکاران روزنامه‌ها و مجله‌ها و احیانا برخی از مسؤولان وزارت ارشاد و... خلاصه می‌شد. به باور من اگر آن روزگار، اندکی و فقط اندکی مسامحه صورت می‌گرفت، ما حتا پس از سال ۶۸ (پایان جنگ) و حتا تا سال ۷۶ که سیدمحمد خاتمی آمد، می‌توانستیم آثار باارزشی را با این دیدگاه منتقد عرضه کنیم.

نویسنده «از ما بهتران» در توضیح بیشتر متذکر شد: آن دیدگاه مخالف جنگ به‌طور طبیعی از عوارض جنگ در شهرها می‌گفت و چون نمی‌توانست به عمق برود، در نتیجه چندان نمی‌توانست خطرناک باشد؛ اما امکان داشت که بتواند با آن مسامحه، یکی چند اثر خوب بیافریند، که حالا احساس نکنیم هر چه که درباره جنگ نوشته‌اند، از گروه موافقان بوده و خوانندگان جدی را به‌خود جذب نکرده است. اولین مجموعه داستان‌های کوتاه جنگ را هم فکریان کانونی ما، در یک جلد کتاب، درباره جنگ در سال ۶۱ - ۶۰ منتشر کردند؛ این به آن معناست که نویسندگان حتا نه چندان علاقه‌مند به جنگ، این تعهد و الزام را داشتند که درباره جنگ بنویسند. منتها در اواسط نیمه اول دهه ۶۰ مسائل به‌گونه‌ای شد که کل اداره فرهنگی جنگ به‌دست موافقان افتاد و هیچ راه

دیگری برای گروه مقابل باقی نماند.

این چه سیستمی است؟!۱

که بین همان دیدگاه موافق‌نویسان جنگ صورت می‌گیرد. مثلاً فیلم‌سازان ارزنده‌ای مثل ابراهیم حاتمی‌کیا، احمدرضا درویش و محسن مخملباف این مجوز را یافتند که اولین منتقدان جنگ باشند و اثر خود را در سطح وسیع و زیر پوشش وزارت ارشاد ارایه کنند، حال آن‌که ما گاه مشاهده می‌کنیم از یک داستان کوتاه نویسندگان معروف یا ناشناس جلوگیری شده است. این چه سیستمی است؟! این چه نگاه تبعیض‌آمیزی است که خودی‌ها مجوز دارند شدیدترین انتقادها را بکنند، ولی غیرخودی‌ها نمی‌توانند حتی یک اثر خود را به چاپ برسانند؟!۲

سرمایه‌گذاری روی سینما و ادبیات قابل مقایسه نیست

نویسنده «جمشید و جمک» سپس با بیان این‌که سرمایه‌گذاری روی سینما و ادبیات اصلاً قابل مقایسه نیست، گفت: نگاه کنید به میزان سرمایه‌گذاری که از ابتدای انقلاب در بخش سینما شد و میزان سرمایه‌گذاری که در بخش ادبیات شد. البته آن‌هایی که سرمایه‌گذاری در سینما را در اولویت قرار دادند، به دلیل گستردگی این صنعت و پریننده بودن آن، تمام ابعادش را زیر نظر گرفتند و چون سرمایه دست خودشان بود، کادر خود را پرورش دادند و از میان آن‌ها به تعدادی فیلم‌ساز قابل قبول رسیدند. حال نگاه کنید به میزان سرمایه‌گذاری که در بخش ادبیات و بالاخص داستان شده است. از نظر من این دو مقوله غیرقابل مقایسه‌اند، که فکر می‌کنم همان‌قدر که وزارت ارشاد به نفع فیلم‌سازان

به اعتقاد محمدعلی، چنان‌چه به داستان‌ها و شعرهای درباره جنگ به صورت مسامحه‌گرانه نگاه نشود، یک بخش بزرگ تعهد و الزام هنری نسبت به این عظیم‌ترین رویداد خاورمیانه در ۵۰ سال گذشته ناقص خواهد ماند و از ما که داعیه‌دار انقلاب فرهنگی هستیم، این انتظار می‌رود که با دریادلی بیش‌تری نسبت به مسأله جنگ نگاه کنیم و در مقابل مسیر طبیعی واکنش‌های جوانان قرار نگیریم. هیچ چیز این جهان‌تغییر نخواهد یافت و منافع هیچ‌کسی یک‌باره با انتشار یک کتاب به خطر نخواهد افتاد، چنان‌چه هنرمندی حرف خود را در قالب هنری بیان کند. عمیقاً اعتقاد دارم هر مسأله‌ای که منعی در جامعه داشته باشد، اگر به صورت هنری گفته شود و جامعه هنری بپذیرند که آن اثر هنر ناب است، سانسورپذیر نیست. اخیراً شنیده‌ام یکی دو نفر از نویسندگان جوان کتاب‌هایی درباره جنگ منتشر کرده‌اند، امیدوارم این آثار در قالب هنری بیان شده باشند و هرگز از بین نروند. گو که ما در عصری زندگی می‌کنیم که حقوق فردی هر یک از انسان‌ها موضوع اصلی مهم‌ترین داستان‌های کوتاه و رمان‌های جهان است. این آزادی بیان برای همه محفوظ است؛ حتی برای کسی که با دیدگاه هنری، اجتماعی و سیاسی آن نویسنده جوان یا من مخالف است. اثر باید چاپ شود، سپس مخالفان درباره آن کتبی قضاوت کنند؛ نه آن‌که قضاوت فیزیکی انجام دهند. کتاب به هر حال می‌باید چاپ شود و هر کتابی به هر روی، مخالفان خود را نیز دارد. این روند صحیح و درست جالب است



اینترنت می گذاشتم. الآن جوانان ما از این امکانات علمی در انتقال خبر بهره‌مندند و چاپ کردن یک کتاب دیگر به صورت یک خواسته دست‌نیافتنی جلوه نمی‌کند. این یکی از تفاوت‌هاست، که مشکل روحی روانی دو نسل را از هم جدا می‌کند.

از دوقطبی بودن جهان تا خواسته‌های فردی

محمدعلی در ادامه درباره تفاوت نگاه داستان‌نویسان نسل خودش و امروز، خاطر نشان کرد: در دوره جوانی ما جهان دوقطبی بود و ما بیش‌تر مسائل را به صورت حرکت‌های جمعی و گروهی می‌دیدیم. هنوز در نیمه اول و دوم دهه ۵۰، به دلیل دوقطبی بودن جهان، نویسندگان نیز خود را در یکی از این قطب‌ها مشاهده می‌کردند؛ در نتیجه درون‌مایه آثارشان نیز غالباً از این دوقطبی بودن جهان ناشی می‌شد. دوقطبی بودن به آن‌جا می‌کشید که بخش اعظم فکر و توان نویسنده جوان به دنبال تقابل با حاکمیت شکل می‌گرفت و نویسنده‌ای موفق بود (از دیدگاه خود نویسنده جوان) که بتواند به صورت سمبل، استعاره و کنایه در مقابل حاکمیت قرار بگیرد و نیش و کنایه‌ای بزند، یا به مسائل سیاسی روز یا استکبار جهانی و... در داستان‌هایش اشاره کند. این نوع تفکر از سال ۳۲ به بعد البته تقلیل پیدا کرد، ولی همواره تا انقلاب ۵۷ جزو خصیصه‌های نویسندگان بود، تا خود را به گونه‌ای غیردولتی جلوه دهند، که البته آن زمان نویسندگان دولتی هم فراوان بودند که بخشی از آن‌ها در جریان جشن هنر شیراز، شکل می‌گرفت و مقابل آن‌ها کانون نویسندگان قرار می‌گرفت که حتا جوان‌هایش

خود کار کرده، به همان میزان به ضرر نویسندگان مستقل کار کرده است. البته در این میان، تعدادی از ناشران خودی از رانت‌ها سود بردند، ولی به نویسندگان نم‌پس ندادند.

نسل جوان نویسنده و تفاوت‌ها

این داستان‌نویس در بخش دیگری از گفت‌وگویش با ایسنا، از نسل جوان داستان‌نویس گفت و تفاوت‌ها. به گفته او، داستان‌نویسان جوان هر دوره مسائل خاص همان دوره را دارند. آن‌چه که بین این دوره‌ها مشترک است، همان جوانی نویسندگان جوان است، که گاه به افراط و تفریط می‌کشد. با این همه، همه چیز طبیعی است؛ چون ما با جوانان سر و کار داریم. نویسنده «قصه ته‌مینه» و «آدم و حوا» در این زمینه یادآور شد: جوانان دوره ما به طور طبیعی به دلیل نداشتن وسایل ارتباط جمعی فراوان و نبودن کامپیوتر و اینترنت، برای کسب اطلاعات به آب و آتش می‌زدند، ولی حالا به دلیل سهل‌الوصول بودن دریافت اطلاعات جامع جهانی، مسائل خود را با شتاب فزاینده‌ای پیش می‌برند. در نتیجه این‌جا فقط با توجه به بعد زمانی، مسأله شتاب را در جوان‌های امروز می‌بینیم. در دوره ما، خود من وقتی می‌خواستم «دره هندآباد» را در سال ۵۴ منتشر کنم، بیش از دو سال معطل پیدا کردن ناشر شدم، چون مصمم بودم که با هزینه شخصی کتاب چاپ نکنم. اما اگر امروز بود، بلافاصله به اینترنت مراجعه می‌کردم و کتابم را روی



تصور می کردند جامعه به یک رفرف و دگرگونی نیاز دارد.

او در ادامه یادآور شد: این نوع نگاه همواره از مشروطه به بعد بین نویسندگان و شاعران و حاکمیت وجود داشته است و اساساً یک خصیصه برای نویسندگان مبارز ایرانی - اعم از جوان و غیرجوان - شناخته می شد، اما حالا و پس از انقلاب، با گسترش مسائل اجتماعی و کلان شدن مسأله نشر و عمده شدن مسائل فرهنگی کشور، گویی خیلی ها به این نتیجه رسیده اند که «شعر شعار نیست و محتوای هنری ماندگارتر از شعارهای روز خواهد بود»، پس به حرکت های فردی و احقاق حقوق فرد در جامعه بیشتر می اندیشند؛ تا حرکت های جمعی و گروهی.

از این نقطه به بعد، جوان های امروز نیز در این ۱۵، ۲۰ ساله گذشته توانستند این ترنیمه اول دهه ۶۰ را ادامه دهند. ما حالا شاهد داستان هایی هستیم که بیش تر به درون شخصیت ها رسوخ کرده و خواسته های فردی را در سرلوحه افکار خود قرار داده است.

استقبال ناشران از رمان

محمدعلی در بخش دیگری از این گفت و گو، درباره مقایسه جایگاه شعر و داستان و نمایش نامه در جامعه امروز گفت: رواج یا رکود یک ژانر ادبی به زمینه اقتصادی آن اثر در جامعه بستگی دارد. اگر واقع گرایانه به حرکت های اجتماعی و پدیده های هنری نگاه کنیم، خواهیم دید که وقتی ناشری با آن شم تیز اقتصادی به طرف سرمایه گذاری روی یک پدیده هنری، اعم از چاپ شعر، داستان، عکس و حتا عکس نقاشی و پرتره می رود، به درستی در جهت پسند مشتریان خود قرار گرفته است. در سال های

اخیر ما به وضوح شاهدیم که ناشران ایرانی اقبال خوبی به رمان و داستان های بلند نشان داده اند. از نظر من، ناشران دریافته اند وقتی که بیش از هزار نسخه هر رمان فروش می رود، پس سرمایه گذاری روی رمان ریسک محسوب نمی شود. از سوی دیگر، از قراین پیداست که شعر در جهان و از جمله ایران، به رکود دچار نشده است، اما می توان گفت در حالت تطبیق یا دگرپرسی یا حتا استحاله و پوست انداختن قرار دارد، که از بیرون، رکود به نظر می رسد. ولی درباره نمایش نامه می توان گفت که عملاً چاپ نمایش نامه به صورت کتاب و فروش آن به رکود دچار شده است.

محمد محمدعلی هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ به دنیا آمد. از آثار او به این عنوان ها می توان اشاره کرد: مجموعه داستان: «دره هندآباد» (۱۳۵۴)، «از ما بهتران» (۱۳۵۷)، «بازنشستگی و داستان های دیگر» (۱۳۶۶)، برنده لوح تقدیر ۲۰ سال داستان نویسی در سال ۱۳۷۷، «چشم دوم» (۱۳۷۳) و «دریغ از روبه رو» (۱۳۷۸)، رمان: «رعد و برق بی باران» (۱۳۷۰)، «نقش پنهان» (۱۳۷۰)، «باورهای خیس یک مرده» (۱۳۷۶)، «بهره در باد» (۱۳۷۹)، برنده تندیس یلدا در سال ۱۳۸۰، «قصه تهیینه» (۱۳۸۲)، «آدم و حوا» (۱۳۸۳)، «جمشید و جمک» (۱۳۸۳) و «مشی و مشیانه» (در دست انتشار).

